

معادلیابی آیات در ترجمه‌های قرآن کریم

فواید و چالش‌ها



اشاره

به مناسبت هفته پژوهش، نشست علمی «معادل‌یابی آیات در ترجمه‌های قرآن کریم؛ فواید و چالش‌ها» در تاریخ ۲۱ آذر ۱۴۰۲ در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی برگزار گردید.

در این جلسه، ابتدا جناب حجت‌الاسلام والمسلمین مسیح توحیدی، رئیس پژوهشکده متن‌کاوی نصوص دینی مرکز نور، ضمن اشاره به اینکه مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در آستانه تولید نسخه چهارم نرم‌افزار جامع تفاسیر نور است، به بیان قابلیت جدیدی در این برنامه اشاره کرد که با یاری تیم فنی و استفاده از ابزارهای متن‌کاوی و با کمک ماشین، معادل‌هایی از واژگان قرآنی ترجمه‌های موجود را در اختیار کاربر قرار می‌دهد و کاربر با انتخاب هر واژه قرآنی، معادل آن را در ترجمه‌ها مشاهده می‌کند.

در ادامه این نشست، جناب آقای مهندس لسانی، کارشناس آزمایشگاه هوش مصنوعی نور، به بیان شیوه کار و فرآیند استخراج معادل‌ها اشاره کرد و در بخش پایانی جلسه نیز جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا مختاری، استاد حوزه علمیه، مؤلف آثار متعدد و رئیس مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، به‌عنوان میهمان این نشست، ضمن اشاره به فواید این کار، به بیان اهمیت کار ترجمه، به‌ویژه ترجمه قرآن کریم پرداخت و با بیان نمونه‌هایی از ترجمه‌های نادرست و غیردقیق برخی از مترجمان، کار ترجمه متون دینی را کاملاً تخصصی و نیازمند تسلط بر دانش‌های دینی، علاوه بر آشنایی با زبان مبدأ و مقصد دانست.

آنچه در ادامه می‌آید، مهم‌ترین مباحث مطرح‌شده در این نشست علمی است که برای استفاده راحت‌تر خوانندگان گرامی، از صورت گفتاری به نوشتاری روان تبدیل شده است.



حجت‌الاسلام توحیدی:

تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای ترجمه‌های قرآن شده است که مورد بحث ما نیست؛ مثلاً ترجمه: تطبیقی، تفسیری، مضمونی، منظوم و تحت‌اللفظی. بحث بنده اینجا، همین ترجمه تحت‌اللفظی است؛ چون این کاری که انجام شده، شبیه کار ترجمه تحت‌اللفظی قرآن است. ترجمه تحت‌اللفظی، ترجمه‌ای است که معنای هر کلمه از آیات، در زیر آن گنجانده شود و مترجم در ارائه معانی کلمه‌به‌کلمه آیات، خود را مقید به رعایت ضوابط دستوری زبان مقصد نکند



کلیدواژگان: واژگان قرآن، معادل‌یابی هوشمند، ترجمه قرآن، جامع تفاسیر نور.

نسخه چهارم نرم‌افزار جامع تفاسیر نور

در این نشست علمی، ابتدا جناب حجت‌الاسلام والمسلمین توحیدی، ضمن اشاره به انواع شیوه‌های ترجمه قرآن، به تبیین ویژگی‌ها و محدودیت‌های ترجمه‌های تحت‌اللفظی و مقایسه کار معادل‌یابی ماشینی با شیوه ترجمه تحت‌اللفظی پرداخت که در ادامه، مهم‌ترین بخش‌های سخن ایشان از نظر شما می‌گذرد.

«برای ورود به بحث، ابتدا این نکته را عرض می‌کنم که مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، در آستانه تولید نسخه جدیدی از نرم‌افزار جامع تفاسیر نور است. در نسخه‌های قبلی، یکی از بخش‌هایی که اطلاعات را در اختیار کاربر قرار می‌داد، بخش ترجمه قرآن بود؛ طبیعتاً در این نسخه نیز همان بخش را خواهیم داشت؛ البته تعداد ترجمه‌ها اضافه شده است. در آخرین تغییرات، ۱۳۷ ترجمه برای قرآن، در ۳۳ زبان، ارائه شده است. از این مجموعه، ۷۹ ترجمه آن، به زبان فارسی است. در جلساتی که در خدمت عزیزان، در تحلیل و طراحی این نرم‌افزار داشتیم،

تأملی شد که چه افزونه‌ای را می‌توان در بخش ترجمه، به مخاطبان ارائه داد؟ و بررسی شد که آیا امکان دارد به صورت ماشینی، معادل‌های واژگان قرآنی ترجمه‌های موجود را در اختیار کاربر قرار دهیم تا وقتی کاربر روی کلمات کلیک می‌کند، معادل‌های آن را در ترجمه‌ها، ملاحظه کند؟

این درخواست و پیشنهاد، در جمع تیم فنی برنامه و به طور خاص در بخش متن کاوی مطرح شد و در جمع‌بندی، زحمت این کار، به عهده جناب آقای مهندس لسانی گذاشته شد. بحمدالله، ایشان که از فضایی حوزوی است، کار را به خوبی پیش برد.

ویژگی‌های ترجمه تحت اللفظی

حجت‌الاسلام توحیدی در بیان ویژگی‌های ترجمه تحت اللفظی اظهار داشت:

«تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای ترجمه‌های قرآن شده است که مورد بحث ما نیست؛ مثلاً ترجمه: تطبیقی، تفسیری، مضمونی، منظوم و تحت اللفظی. بحث بنده اینجا، همین ترجمه تحت اللفظی است؛ چون این کاری که انجام شده، شبیه کار ترجمه تحت اللفظی قرآن است. ترجمه تحت اللفظی، ترجمه‌ای است که معنای هر کلمه از آیات، در زیر آن گنجانده شود و مترجم در ارائه معانی کلمه‌به‌کلمه آیات، خود را مقید به رعایت ضوابط دستوری زبان مقصد نکند. من سعی دارم در این بخش از عرایضم، به ویژگی‌های ترجمه تحت اللفظی بپردازم.

برخی از ویژگی‌های ترجمه تحت اللفظی، چنین است:

– مترجم معنای هر کلمه از آیات را در زیر آن کلمه قرار می‌دهد و طبیعتاً با این روش، مترجم مقید هست و قواعد زبان مقصد را به طور کامل نمی‌تواند رعایت کند؛

– مخاطبان این نوع ترجمه، معمولاً کسانی هستند که فی‌الجمله با زبان عربی آشنایی دارند و مایل‌اند که از این طریق، با زبان قرآن بیشتر آشنا بشوند. طبیعتاً چون محور کار، واژه هست، مخاطب در این نوع ترجمه، با معنای واژگان قرآنی آشنا می‌شود و از این طریق، به مفهوم آیه می‌رسد. پس، به مرور زمان، با تمرین و ممارست، کم‌کم به جایی می‌رسد که وقتی آیه‌ای را قرائت می‌کند یا استماع می‌کند، معنای واژگان آن برای او تداعی می‌شود و از آن طریق، با مفهوم کلی آیه انس می‌گیرد؛

– از ویژگی‌های این نوع ترجمه، این است که ساختارهای صرفی و نحوی که در زبان عربی است، در این ترجمه دیده می‌شود؛ چون ذیل هر واژه، معادل‌یابی صورت گرفته است.

– مترجم باید دقت در برابرگزینی و مطابقت با نصّ قرآن را داشته باشد.»

محدودیت‌های ترجمه تحت اللفظی

ترجمه‌های تحت اللفظی محدودیت‌هایی نیز دارند؛ رئیس پژوهشکده متن کاوی نصوص دینی مرکز نور در ادامه صحبت‌های خود در این باره گفت:

«این نوع ترجمه، همان‌طور که نکات مثبتی دارد، یک‌سری محدودیت‌هایی هم دارد؛ از جمله:

– مترجم مجال کافی برای چینش ترتیب کلمات ندارد؛ چون می‌خواهد مطابق کلمات قرآن، معادل‌ها را ارائه کند؛

– در این نوع ترجمه، به مباحث تفسیری و شأن نزول‌ها پرداخته نمی‌شود؛

– اشاره به پیوستگی آیات با همدیگر، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد؛

– زیبایی ظاهری آیات قرآن و اسلوبی که خود قرآن از آن به‌عنوان یک اعجاز یاد کرده، در این نوع ترجمه دیده نمی‌شود؛

– هنگام قرائت ترجمه، مفهوم آیه به‌خوبی به مخاطب منتقل نمی‌شود. درست است که کاربر از واژه به معادل آن منتقل می‌شود، اما مفهوم کلی آیه، به راحتی به مخاطب منتقل نمی‌شود؛

– عبارت ترجمه، عبارتی گنگ و مبهم است و سازگار با ساختارهای زبان فارسی نیست.»

معادل‌یابی ماشینی واژه‌های قرآن

توحیدی در خصوص میزان مشابهت معادل‌یابی ماشینی واژه‌های قرآن با ترجمه‌های تحت اللفظی موجود به ذکر نمونه‌هایی چند پرداخت و گفت:

«همکاران ما در مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، در زمینه معادل‌یابی ماشینی برای واژه‌ها و کلمات قرآن کریم، کاری انجام داده‌اند که می‌خواهیم ببینیم با ملاحظه آن نقاط مثبت و این محدودیت‌هایی که گفته شد، چه میزان با ترجمه تحت اللفظی، تشابه دارد؟

من به‌عنوان نمونه آیه چهل و سوم سوره یوسف

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنَّ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنَّ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ

شعرانی

و گفت پادشاه بدرستی که من می بینم در خواب هفت گاو فربه می خورند آنها را هفت گاو لاغر و هفت خوشه گندم سبزه و هفت خوشه دیگر همه خشک ای گروه معبران فتوی دهید مراد در خواب من اگر هستی که خوابها را تعبیر می کنید

تصویر شماره ۱

را انتخاب کردم: «وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ» (یوسف: ۴۳). در کار انجام شده، شکست‌هایی که در اجزای این آیه شریفه ایجاد شده و با رنگ کلمات از هم تفکیک شده‌اند، گویای این است که ماشین توانسته معادل‌هایی از این کلمات را در ترجمه‌ها پیدا بکند. (تصویر شماره ۱)

بنده اولین ترجمه را ترجمه منسوب به مرحوم آقای شعرانی قرار دادم؛ البته گفته می‌شود که این نسبت، درست نیست و این ترجمه از ایشان نیست؛ ولی به هر حال، مشهور شده است. این ترجمه، جزء ترجمه‌های تحت اللفظی قرآن شمرده شده است. در تصویر شماره ۱، معادل واژه‌های آیه را با تشابه رنگی می‌توانید ببینید؛ مثلاً معادل «قال» واژه «گفت»، و معادل «الملک» واژه «پادشاه» آمده

و به همین ترتیب، سایر کلمات ترجمه شده است؛ حتی در یک کلمه هم گاهی شکست ایجاد شده است؛ مثلاً ماشین تشخیص داده که کلمه «إِنِّي» معادل دو واژه «بهدرستی که» و «من» هست، یا کلمه «يَأْكُلُهُنَّ» معادل دو واژه «می‌خورند» و «آنها را» هست. رنگ‌های مشکی هم اشاره به کلماتی هست که در ترجمه وجود دارد و ماشین نتوانسته معادلی را برای آن در متن آیه پیدا کند.

این کار، روی ترجمه تحت اللفظی انجام شده بود؛ اما مثلاً ترجمه حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، یک ترجمه معنایی است؛ نه تحت اللفظی. بنابراین، وقتی ماشین برای معادل‌یابی سراغ آن می‌رود، کلمات با رنگ مشکی بیشتری را نشان می‌دهد.

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنَّ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعٌ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنَّ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ

سلطان	ملک	شاه	پادشاه (پادشاه/پادشاه بودان پادشاه/پادشا)
2	6	18	44

تصویر شماره ۲

می‌شود. از ارتباطی که بین واژگان و معادل آنها ایجاد می‌شود، بانک ارزشمندی به صورت ماشینی ایجاد می‌شود که این معادل‌ها کنار هر کلمه می‌تواند وجود داشته باشد.

مبتنی بر این مسئله، مرحله بعدی که آماده شده، این است که این معادل‌ها را ماشین دسته‌بندی کرده است؛ مثلاً واژه «الملک» را ماشین گزارش می‌دهد که چهل و چهار ترجمه، معادل آن را کلمه «پادشاه» یا مشابه پادشاه گفته‌اند. (تصویر شماره ۲) ماشین، یک نماینده برای این واژه‌ها انتخاب کرده است. پس، این، یکی از ارزش‌های افزوده‌ای هست که بر این کار ساختارمند صورت گرفته و معادل‌ها جمع شده است.

از این جهت، شاید بتوانیم بگوییم همه ترجمه‌های با سبک‌های مختلف، پوشش داده شده است. پوششی که صورت گرفته، به آن روشی که در ترجمه‌های تحت اللفظی هست، مقید نشده است. بنابراین، آن تنوع ساختاری که مترجم‌ها داشتند، در اینجا وجود دارد.»

مقایسه معادل‌یابی ماشینی و انسانی

حجت‌الاسلام والمسلمین توحیدی در ادامه سخنان خود به بحث مقایسه معادل‌یابی ماشینی و انسانی پرداخت و خاطرنشان کرد:

«جناب آقای دکتر یاقی با یک تیم از دانشجویان در سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۳ روی ۱۴۲ نسخه خطی قرآن کریم که در کتابخانه آستان قدس رضوی دارای ترجمه بودند، معادل‌های واژگان قرآن را در آن ترجمه‌ها، فیش‌برداری کردند. البته بعداً این کار متوقف شد. بعد از انقلاب، ایشان پیگیری کردند و در نهایت،

نتیجه آن کار، در چهار یا پنج جلد کتاب با عنوان «فرهنگ‌نامه قرآنی» منتشر شد. من چند تصویر از این کتاب را آورده‌ام؛ مثلاً در ذیل همان آیه شریفه چهل و سه سوره یوسف، اگر این دو کار را با هم مقایسه کنیم، اولاً، آن کار با یک تیم انجام شده و طبیعتاً زمان بیشتری گرفته است تا فیش‌برداری‌ها انجام شده است. همچنین، از هر معادلی که تکرار داشته، فقط یکی از آنها را آورده‌اند. ثانیاً، در آن کار، ترجمه‌ها در اختیار کاربر قرار نمی‌گیرد؛ بلکه فقط آن معادل‌ها ذیل کلمات آمده است.» (تصویر شماره ۳)

فواید و مزایای معادل‌یابی ماشینی

بخش دیگر سخنان رئیس پژوهشکده متن‌کاوی نصوص دینی مرکز نور به بیان فواید و مزایای معادل‌یابی ماشینی اختصاص داشت. ایشان در این باره گفت:

«برخی از فواید و ویژگی‌های مثبت معادل‌یابی ماشینی، به شرح زیر است:

- تسهیل شناسایی معادل کلمه قرآنی در هر ترجمه؛

حجت‌الاسلام آقایی:

برخی از فواید و ویژگی‌های مثبت معادل‌یابی ماشینی، به شرح زیر است:

- تسهیل شناسایی معادل کلمه قرآنی در هر ترجمه؛

- مقایسه هم‌زمان بین معادل‌های یک کلمه قرآنی؛

- مشاهده تنوع معادل‌های فارسی یک کلمه قرآنی؛

- امکان محک مترجمان در میزان دقت انتخاب معادل؛

- تلفیق بین مزایای ترجمه تحت اللفظی و ترجمه آزاد؛

- امکان استفاده از ترجمه‌های آزاد به روش تحت اللفظی



تصویر شماره ۳

- مقایسه هم‌زمان بین معادل‌های یک کلمه قرآنی؛
 - مشاهده تنوع معادل‌های فارسی یک کلمه قرآنی؛
 - امکان محک مترجمان در میزان دقت انتخاب معادل؛
 - تلفیق بین مزایای ترجمه تحت اللفظی و ترجمه آزاد؛
 - امکان استفاده از ترجمه‌های آزاد به روش تحت اللفظی.
- این روش ماشینی که به آن اشاره شد، در حقیقت، تلفیقی از روش ترجمه تحت اللفظی با روش ترجمه آزاد است. اگرچه ترجمه جدایی نیست و از ترجمه‌های موجود استفاده شده، ولی ضمن اینکه شیوایی روش ترجمه آزاد را دارد، معادل کلمات را نیز مانند روش تحت اللفظی در اختیار کاربر می‌گذارد.
- اینها نکاتی بود که به‌عنوان فواید یا مزایای این کار برای کاربر مطرح هست؛ ولی اگر بخواهیم با دید جامع‌تر و کامل‌تری به این بانک داده نگاه کنیم، فواید و مزایای دیگری هم بر این معادل‌یابی ماشینی مترتب است؛ از جمله:
- امکان تحلیل کلی ترجمه‌ها و مقایسه آنها با همدیگر در این بانک داده فراهم است؛
 - امکان ایجاد بانکی از معادل‌های فارسی جهت تحلیل مفهومی سایر متون فراهم می‌شود؛
- امکان مقایسه معادل‌های یک کلمه قرآنی در آیات مختلف وجود دارد؛ مثلاً کلمه «العزیز» یکی از صفات خدای متعال هست؛ ولی در مورد بزرگ مصر هم به کار رفته: «یا أیها العزیز». در بانک جامع، می‌شود به تنوع‌های یک کلمه قرآنی در جاهای مختلف، پی بُرد؛
 - امکان شناسایی شیوه هر مترجم در اینکه به ترجمه آزاد یا تحت اللفظی تمایل دارد، فراهم شده است؛
 - امکان شناسایی معادل‌های پُر تکرار که مترجمان مختلف برای یک کلمه استفاده کرده باشند، فراهم می‌شود؛ مثلاً واژه «الحق» از کلماتی است که بیشترین معادل را مترجمان در جاهای مختلف قرآن برای آن به کار برده اند؛
 - امکان شناسایی معادل‌های کم‌تکرار هم میسر می‌شود.
 - همان‌طور که گفته شد، یکی از فواید این کار،

با کمک چند اسلاید، به معرفی الگوریتم کاری که انجام شده، می‌پردازم.

عنوان پروژه‌ای که انجام شده، ترازبندی لغات قرآن و ترجمه‌هاست. هدف پروژه، این بود که برای هریک از کلمات قرآن کریم، معادل آن را در هر کدام از ترجمه‌های قرآن پیدا کنیم. تقریباً هشتاد ترجمه پیش روی ما بود که پیدا کردن معادل هر کلمه از قرآن در میان این تعداد ترجمه، زمان بسیاری را می‌گرفت؛ اما از آنجا که معتقد بودیم این کار می‌تواند کمک خوبی برای محقق باشد، کار را با جدیت دنبال کردیم. پیدا کردن این معادل‌ها، باعث می‌شود پژوهشگر بتواند به راحتی و با صرف وقتی اندک، معادل‌های یک واژه را در ترجمه‌های مختلف مشاهده کند. گاهی مشاهده

مقایسه معادل‌ها و محک زدن مترجم‌هاست. خداوند در آیه ۱۰۳ سوره نحل می‌فرماید: به پیامبر نسبت می‌دهند که آن حضرت، معارف را از شخصی بشری یاد گرفته است؛ «لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ». آن کسی که شما می‌گویید پیغمبر از او فرا گرفته، زبانش اعجمی است. «وَ هَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ»؛ ولی این قرآن، زبان عربی مبین دارد. مفردات راغب می‌گوید: «الأعجم: من فی لسانه عجمة»؛ کسی که زبانش لُکنت دارد. «عربياً كان أو غير عربي»؛ عرب‌زبان باشد یا غیر عرب‌زبان. در لسان العرب هم آمده: «هذا رجل عجمي، اذا كان لا يفسد، كان من عجم أو كان من العرب»؛ چه عرب‌زبان باشد، چه عجم.

حال، مبتنی بر بعضی ترجمه‌ها، ماشین معادل‌های «مبهم و غیر فصیح» را آورده است. عجمی، یعنی غیرفصیح و نارسا. البته برخی دیگر از مترجمان که من اسامی آنها را نیاوردم - چون ممکن است توجیه‌هایی هم داشته باشند - واژه عجمی را در مقابل عربی آورده‌اند. این، یکی از مزایایی است که می‌شود در روش مقایسه‌ای بین ترجمه‌ها استفاده کرد.»

ویژگی‌های مبتنی بر متن کاوی در نرم‌افزار جامع تفاسیر نور

توحیدی در پایان سخنان خود به بیان ویژگی‌های مبتنی بر متن کاوی در نرم‌افزار جامع تفاسیر نور مبادرت ورزید و اظهار کرد:

«از این فرصت استفاده می‌کنم، یک نکته دیگر عرض می‌کنم و آن اینکه کار دیگری که از جنس متن کاوانه در نرم‌افزار جامع تفاسیر نور انجام گرفته، بحث روابط بین آیات است. در این رابطه، ارتباط لفظی‌ای که بین آیات مبتنی بر شناسایی ریشه و عین کلمه و ترتیب ریشه‌ها و کلمه‌ها برقرار شده، یک کار خوبی است که البته چون این موضوع، مورد بحث من نبود، چیزی برای آن آماده نکردم.

یک کاری هم قبلاً انجام شده بود که بحث همنشینی آیات در متون مختلف، به‌خصوص متون تفسیری بود که ارتباط آیاتی را که همسنخ هستند و کثرت همنشینی دارند، در متون مختلف نشان می‌داد؛ یعنی ماشین تحلیل می‌کرد که مثلاً این دو آیه، در تعداد زیادی از متون، در یک جای خاصی کنار هم قرار گرفته‌اند. این ویژگی، در اختیار کاربر قرار می‌گیرد که بسیار قابل استفاده هست.

همچنین، کارهای متن کاوانه دیگری هم هست که در نسخه چهارم جامع تفاسیر نور در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. مجدداً تشکر می‌کنم از همه عزیزان، به‌ویژه حاج آقای مختاری که کمافی‌السابق به ما لطف داشتند و قبول زحمت کردند.»

فرآیند معادل‌یابی ماشینی

در بخش دوم این نشست علمی، جناب آقای مهندس لسانی به بیان چرخه کار و فرآیند معادل‌یابی ماشینی واژه‌های قرآن کریم پرداخت که مهم‌ترین مطالب ارائه‌شده توسط ایشان در ادامه از نظر می‌گذرد.

«جناب آقای توحیدی، مسئله و اهداف را بیان کرد و بنده آنها را تکرار نمی‌کنم. من

مهندس لسانی:

تقریباً هشتاد ترجمه پیش روی ما بود که پیدا کردن معادل هر کلمه از قرآن در میان این تعداد ترجمه، زمان بسیاری را می‌گرفت؛ اما از آنجا که معتقد بودیم این کار می‌تواند کمک خوبی برای محقق باشد، کار را با جدیت دنبال کردیم. پیدا کردن این معادل‌ها، باعث می‌شود پژوهشگر بتواند به راحتی و با صرف وقتی اندک، معادل‌های یک واژه را در ترجمه‌های مختلف مشاهده کند



معنای یک واژه در ترجمه‌ها، معادل معنایی دقیق یک واژه را به‌خوبی روشن می‌کند.

به کلمه می‌چسبانیم. عباراتی هم هستند که مترجم‌ها از آن عبارت، یک معنای واحد فهمیده‌اند؛ مثلاً تعبیر «یا ایها الذین آمنوا» را به «ای کسانی که ایمان آورده‌اید»، ترجمه نکرده‌اند؛ بلکه به «ای مومنان» ترجمه کرده‌اند. یا «اصحاب النار» را به «جهنمیان» ترجمه کرده‌اند. پس، مواردی که چند واژه، یک معنا را افاده می‌کنند، با هم ادغام شده‌اند.

مرحله دوم: معادل‌یابی برای کلمات

در این مرحله، برای هریک از کلمات، از بانک لغت‌نامه‌ها، تمام معانی معادل کلمات آیه را پیدا می‌کنیم. برای این کار، از حدود بیست‌وپنج لغت‌نامه استفاده کردیم. لغت‌نامه‌ها یا تخصصی قرآن بوده یا لغت‌نامه‌های عمومی بوده که در پایگاه قاموس به‌کار گرفته شده و یا لغت‌نامه‌های مرتبط با نهج‌البلاغه و امثال آن بوده است.

حتی از ترکیب لغت‌نامه‌ها استفاده کردیم؛ مثلاً لغت‌نامه انگلیسی به عربی قرآن را با لغت‌نامه انگلیسی به فارسی ادغام کردیم و عربی به فارسی معادل برای آن به دست آوردیم و درنهایت،

علاوه بر این، برای ساخت معادل‌های مختلف یک واژه در قرآن، از آن استفاده کرده‌ایم و این داده، در صورت تکمیل و تصحیح، اطلاعات ارزشمندی خواهد بود که می‌توانیم در کارهای دوزبانه ماشینی مختلف، از آن بهره ببریم. البته مسئله ترازبندی متن دوزبانه (bitext word alignment)، مسئله شناخته‌شده‌ای است که تاکنون کارهای گوناگونی روی آن انجام شده است. ما در ابتدا، از برخی روش‌های عمومی ترازبندی دوزبانه استفاده نمودیم و تا حدودی جواب گرفتیم؛ ولی چون دقت مطلوب را نداشت، سعی کردیم کار را از نو طراحی کنیم. چون قرآن کریم و کار قرآنی، دقتی را می‌طلبید که در متون عمومی این‌گونه نبود و اصولاً موضوعیت نداشت.

در اینجا به‌اجمال به مراحل مختلف این کار، متناسب با فضا و ظرفیت این جلسه، اشاره می‌کنیم:

مرحله اول: شکست آیه به کلمات

ابتدا آیه به کلمات مناسب شکسته می‌شود؛ برای اینکه بتوان برای هرکدام معادل پیدا کنیم. این کار، همان تجزیه صرفی است که ما اطلاعات صرفی و نحوی خوبی از آیه داریم و از این اطلاعات، در کارمان خیلی استفاده کردیم. البته صرفاً اجزای صرفی کافی نیست؛ مثلاً واژه‌های «لا» و «یأتی»، یک معنا را به مخاطب القا می‌کند که آن را ادغام می‌کنیم؛ یا مثلاً اعدادی مانند «احد عشر» را ادغام می‌کنیم؛ یا الف‌ولام را به کلمه می‌چسبانیم؛ یا حروف زاید و تأکید را خیلی وقت‌ها

لغت‌نامه‌ها را درجه‌بندی می‌کنیم.

برای نهایی‌سازی، ابتدا از مناسب‌ترین لغت‌ها، به ترتیب اولین کاندیدای معادل عربی را برای لغت فارسی انتخاب می‌کنیم. البته اینجا بررسی‌هایی انجام می‌دهیم که میزان پوشش عربی و فارسی در کاندیداهای اول پیدا شده، بیشترین باشد و در صورت بیشینه نبودن، به سراغ کاندیداهای دیگر می‌رویم.

همچنین، برای اینکه معانی را گسترش دهیم، از اطلاعات صرفی و نحوی استفاده می‌نماییم؛ مثلاً اگر معنای واژه «متقی» را داشتیم، معنای «متقین» را از آن می‌سازیم. یا اگر معنای «یقول» را داشتیم، معنای «لیقولن» را از آن می‌سازیم.

در این مرحله، به ترجمه‌ها کار نداریم و سعی می‌کنیم از روی لغات قرآن یک سری معادل به دست آوریم. معادل‌ها گاهی زیادند؛ مثلاً ممکن است برای یک لغت، هزار معادل به دست آید که در مراحل بعد، از آن استفاده می‌کنیم.

مرحله سوم: رجوع به ترجمه‌ها

در هر ترجمه، ابتدا آن کلماتی را که به دست آوردیم، مناسب‌سازی می‌کنیم؛ مثلاً عبارت «عزیز می‌کند» را یک کلمه می‌کنیم؛ یعنی برای آن، یک کلمه معادل پیدا می‌کنیم.

با توجه به داده‌های خوبی که در مورد قرآن داشتیم، یک الگوریتم را با مراحل ذیل اجرا می‌کنیم.

ابتدا آیات را به کلمات و زیربخش‌های معنایی مناسب تقسیم می‌کنیم. سپس، برای هر آیه با استفاده از لغت‌نامه‌هایی که داریم، یک لغت‌نامه فرضی بزرگ درست می‌نماییم. بعد، در هر ترجمه، لغت ترجمه را به کلمات مناسب تقسیم می‌کنیم. آنگاه برای هر یک از لغات ترجمه، با استفاده از لغت‌نامه، کاندیداهای احتمالی مناسب را به دست می‌آوریم و در ادامه، در مورد کاندیداهای هر لغت، یک امتیازبندی و مرتب‌سازی انجام می‌دهیم. سپس، در مورد هر لغت ترجمه، بهترین کاندیدا را برمی‌گزینیم. بعد از این، به کمک برخی روش‌ها، کلمات بی‌معادل عربی و فارسی را تا جای امکان در میان موارد باقیمانده، معادل‌یابی می‌کنیم. در مرحله بعد، فرآیند مذکور را با استفاده

مرحله چهارم: یافتن معادل کلمات از بانک معادل‌ها

در مرحله بعد، برای هر کدام از کلماتی که داشتیم، با استفاده از بانک معادل‌هایی که برای لغات قرآن به دست آوردیم، معادل پیدا می‌کنیم. حالا ممکن است معادل دقیقاً منطبق باشد، یا با انطباق‌های تقریبی به دست آید.

مرحله پنجم: مرتب‌سازی کاندیداهای مرتبط با هر لغت

با توجه به معیارهای مختلف، به مرتب‌سازی کاندیداهای هر لغت ترجمه فارسی می‌پردازیم و با توجه به نوع و کیفیت لغت‌نامه، تعداد انطباق‌ها و نوع انطباق که دقیق یا تقریبی بوده است و نیز از همه مهم‌تر، همراهی با معادل‌های اطراف، به امتیازدهی به کاندیداها و درنهایت، مرتب‌سازی بر اساس امتیازها می‌پردازیم.

مرحله ششم: یافتن معادل نهایی برای هر لغت

در این مرحله، بر اساس مرتب‌سازی که کردیم، انتخاب نهایی را انجام می‌دهیم.

حجت‌الاسلام مختاری:

در هر علمی و در هر متنی، اصطلاحاتی وجود دارد که اگر مترجم اطلاع درستی از آن اصطلاحات نداشته باشد، ممکن است مرتکب اشتباه شود که البته امری طبیعی است. با کاری که شما در زمینه ترجمه قرآن انجام دادید، با مقایسه این ترجمه‌ها کاملاً معلوم می‌شود که خیلی از مترجمان، فقط به جهت علاقه‌ای که به ترجمه داشته‌اند، به این کار پرداخته‌اند؛ یعنی تسلط فوق‌العاده‌ای بر زبان مبدأ نداشتند که نوآوری داشته باشند و یا تسلط آن چنانی بر زبان مقصد هم نداشتند؛ بلکه فقط به دلیل عشق و علاقه‌ای که به کتاب خدا داشتند، ترجمه کرده‌اند



ضرورت دقت در ترجمه بیان نمود. ایشان در شروع کلام، نخست به بیان اهمیت و فواید این دست کارهای قرآنی پرداخت و در ادامه، ضرورت تسلط مترجم به اصطلاحات علمی و زبان مبدأ و مقصد را گوشزد کرد و گفت:

«... بهره بردیم از توضیحات اساتید و دوستان. همچنین، تشکر می‌کنیم از زحماتی که کشیدند در امر قرآن و ترجمه قرآن و معرفت بیشتر به قرآن مجید. این نوع کارها، فواید فراوانی دارد. یکی از فواید این قبیل کارها، آن است که پاسخی است به اتهام‌هایی که به حوزه علمیه می‌زنند. همیشه به حوزه اتهام می‌زنند که حوزه‌ها اهتمام چندانی به قرآن کریم و تفسیر کلام‌الله ندارند و یا می‌گویند شیعه، اهمت‌امی به قرآن ندارد. این سنخ کارها، نشان می‌دهد که شیعه چه مقدار کار کرده و خود پرداختن به این دست کارها، رافع و دافع چنین تهمت‌هایی است که به حوزه‌های تشیع زده می‌شود.

در باب ترجمه، مترجم باید به زبان مبدأ و زبان

از معادل‌های پیداشده، دوباره انجام می‌دهیم تا ترجمه‌ها به هم کمک کنند؛ در آخر هم تمام معانی را برای یک واژه گرد هم می‌آوریم و مشابهات را ادغام می‌نماییم. پس از آنکه معادل‌یابی را انجام دادیم، خود معادل‌های هر کدام از ترجمه‌ها می‌تواند به ترجمه‌های دیگر کمک نماید. برای همین، معادل‌ها را به فهرست معانی اضافه می‌کنیم و دوباره الگوریتم معادل‌یابی را از سر می‌گیریم.

در آیات بلند، با توجه به اینکه کاندیداها زیاد می‌شود، حفظ ترتیب، چالش‌هایی دارد و ممکن است با اشتباهاتی همراه باشد. بنابراین، سعی می‌کنیم آیات بلند را بشکنیم. این کار، با علائم وقفی به صورت خودکار انجام می‌شود و در نهایت، سعی می‌کنیم که قطعه‌های معادل هر قطعه آیه را در ترجمه، حدوداً مرزبندی کنیم و معادل‌ها را داخل آن حدود تعریف کنیم. در پایان، می‌توانیم برای یک کلمه در آیه، یا یک کلمه در قرآن، تمام معادل‌های به‌دست‌آمده را جمع‌آوری کنیم. بعد از اینکه برای هر کدام از ترجمه‌ها معادل به دست آمد، برای اینکه بتوانیم معادل‌های یک کلمه را در آیه یا در قرآن به دست بیاوریم، آنها را دسته‌بندی می‌کنیم و بر اساس میزان انطباق و میزان امتیازبندی که داشتیم، ممکن است بعضی را هم حذف کنیم.»

ضرورت تسلط مترجم به اصطلاحات و زبان مبدأ و مقصد

سخنران بخش پایانی این نشست علمی، جناب حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری بود که مباحث دقیقی در اهمیت ترجمه قرآن و معادل‌یابی صحیح و



حجت الاسلام مختاری:

تشکر می‌کنیم از زحماتی که کشیدند در امر قرآن و ترجمه قرآن و معرفت بیشتر به قرآن مجید. این نوع کارها، فواید فراوانی دارد. یکی از فواید این قبیل کارها، آن است که پاسخی است به اتهام‌هایی که به حوزه علمیه می‌زنند. همیشه به حوزه اتهام می‌زنند که حوزه‌ها اهتمام چندانی به قرآن کریم و تفسیر کلام‌الله ندارند و یا می‌گویند شیعه، اهمتامی به قرآن ندارد. این سنخ کارها، نشان می‌دهد که شیعه چه مقدار کار کرده و پرداختن به این دست کارها، رافع و دافع چنین تهمت‌هایی است که به حوزه‌های تشیع زده می‌شود

معادل‌یابی‌هایی داشته است و بیان کرده که ترجمه‌اش چه خصوصیتی دارد؛ اما برخی از مترجمان هم چنین نکرده‌اند.»

ترجمه منسوب به علامه شعرانی

استاد حوزه علمیه و رئیس مؤسسه کتاب‌شناسی شیعه، در ادامه صحبت‌های خود، در مورد ترجمه منسوب به علامه شعرانی اظهار داشت:

«ترجمه‌ای که به علامه شعرانی نسبت می‌دهند، درست نیست. البته خیلی هم معروف هست و در نقدهای ترجمه‌ها هم به آن می‌پردازند و در برنامه شما نیز آمده است. درستش این هست که بنویسند: «منسوب به علامه شعرانی». شما هم چنین بنویسید و توضیح دهید که این، از علامه شعرانی نیست. مرحوم آیت‌الله حسن‌زاده آملی که از شاگردان خاص علامه شعرانی بود و کتاب‌های علامه شعرانی هم بعد از وفاتش، به ایشان منتقل شد و همه جزئیات را هم می‌دانست، فرمود که این ترجمه، از علامه شعرانی نیست. ناشر برای رواج کارش، اسم علامه شعرانی را روی آن گذاشته است؛ حتی ایشان در آن زمان، یک نامه خطاب به اداره ارشاد نوشت که بنده آن را بردم. محتوای نامه به این مضمون بود که: از این پس، اجازه ندهید این ترجمه به اسم علامه شعرانی

مقصد مسلط باشد و علاوه بر آن، به فنّ و علمی که راجع به آن ترجمه می‌کند، تسلط داشته باشد. پس، صرف آگاهی داشتن به زبان مقصد و مبدأ، کافی نیست. در هر علمی و در هر متنی، اصطلاحاتی وجود دارد که اگر مترجم اطلاع درستی از آن اصطلاحات نداشته باشد، ممکن است مرتکب اشتباه شود که البته امری طبیعی است. با کاری که شما در زمینه ترجمه قرآن انجام دادید، با مقایسه این ترجمه‌ها کاملاً معلوم می‌شود که خیلی از مترجمان، فقط به جهت علاقه‌ای که به ترجمه داشته‌اند، به این کار پرداخته‌اند؛ یعنی تسلط فوق‌العاده‌ای بر زبان مبدأ نداشتند که نوآوری داشته باشند و یا تسلط آن‌چنانی بر زبان مقصد هم نداشتند؛ بلکه فقط به دلیل عشق و علاقه‌ای که به کتاب خدا داشتند، ترجمه کرده‌اند.

چند نمونه از عدم تسلط به اصطلاحات در ترجمه متون، عرض می‌کنم. مرحوم سعید نفیسی نوشته‌ای در مورد سرگذشت جناب شیخ صدوق صاحب کتاب شریف من لایحضره الفقیه دارد. ایشان نوشته است: «مادر شیخ صدوق، کنیزی دیلمی بود و به‌روایتی دیگر، امّ ولد نام داشت»؛ درحالی‌که امّ ولد، نه روایتی دیگر هست و نه نام آن کنیز، معمولاً کنیزی که بچه‌دار می‌شده است، به او امّ ولد می‌گفتند. پس، روایت دیگری نیست؛ بلکه همان روایت است. چون ایشان اصطلاح «امّ ولد» را نمی‌دانسته، فکر کرده که اسم او امّ ولد بوده است.

نمونه دیگر، در چاپ اول لغت‌نامه دهخدا در باره تعبیر «ذو الشهادتین» آمده: «ذو الشهادتین، کسی است که دو بار در راه خدا به شهادت برسد.» آیا ممکن است کسی دوبار در راه خدا به شهادت برسد؟ این، اشتباه در ترجمه یک اصطلاح است. در نهج البلاغه حضرت علی(ع) این تعبیر آمده: «این ذو الشهادتین؟» این تعبیر، در باره خذیمه‌بن‌ثابت است که رسول خدا، شهادت او را به جای شهادت دو نفر قبول کرد.

اما در ترجمه قرآن، بعضی از مترجمان خوب، نوآوری‌هایی دارند؛ مثلاً آقای دکتر گرمارودی در خاتمه ترجمه‌اش نوآوری‌های خویش را هم گفته که چه

منتشر بشود؛ چون ترجمه تحت اللفظی هست و علامه شعرانی، ترجمه‌هایشان این طوری نیست.

خود آقای شعرانی، از اول سوره حمد تا اواسط سوره بقره را ترجمه و تفسیر کرده‌اند که ذیل کتاب هزار و یک کلمه آیت‌الله حسن‌زاده چاپ شده است.

به‌رحال، با کاری که شما در مرکز نور تولید کردید، هم نقد ترجمه‌ها و هم فهم دقیق ترجمه‌ها، راحت‌تر و آسان‌تر می‌شود و مترجمانی که نوآوری داشتند، از مترجمانی که مقلد هستند و صرفاً به جهت علاقه به قرآن ترجمه کرده‌اند، تشخیص داده می‌شوند. ما همچنان نیازمند ترجمه خوب و همین‌طور، نیازمند نقد ترجمه‌ها هستیم.»

نمونه‌هایی از ترجمه‌های غلط قرآن

استاد مختاری در ادامه سخنان خویش، به قصور و تقصیر برخی مترجمان قرآن کریم در امر ترجمه اشاره کرد و از باب نمونه، چند مورد را توضیح داد که در ذیل می‌آید:

«یکم. در ترجمه آیه مباهله: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ» (آل عمران: ۶۱). در قرآن مجید، واژه «نساء» به معنای مطلق زن است؛ منتها یک جا به معنای زوجه است؛ مثل آیه «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ» (احزاب: ۳۲) و یک جا به معنای مطلق زنی هست؛ مثل آن آیه شریفه راجع به حضرت مریم(س) که فرمود: «يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ



حجت الاسلام مختاری:

با کاری که شما در مرکز نور تولید کردید،

هم نقد ترجمه‌ها و هم فهم دقیق ترجمه‌ها،

راحت‌تر و آسان‌تر می‌شود و مترجمانی

که نوآوری داشتند، از مترجمانی که مقلد

هستند و صرفاً به جهت علاقه به قرآن ترجمه

کرده‌اند، تشخیص داده می‌شوند. ما همچنان

نیازمند ترجمه خوب و همین‌طور، نیازمند نقد

ترجمه‌ها هستیم



أَصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۴۲). این «نساء العالمین»، یعنی مطلق زنان؛ چه زوجه، چه مادر و چه دختر. یک جاهایی هم به معنای دختر هست، در کنار پسر؛ مثل آیات مربوط به فرعون: «يُدْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» (بقره: ۴۹). اینجا «نساء»، به معنای دختر است؛ چون فرعون دخترچه‌ها را نگه می‌داشت و پسرچه‌ها را می‌کشت و همچنین، در آیه اِرت که می‌فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ الْاُنْثَىٰ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اَثْنَيْنِ» (نساء: ۱۱)، این «نساء» هم به معنای دختر است.

بیشتر مترجمان فارسی، عبارت «فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اَثْنَيْنِ» را ترجمه کرده‌اند به دختر، و همین‌طور عبارت «يُدْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَ يُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» را به دختر ترجمه نکرده‌اند. همان مترجمانی که در آن دو آیه قبل، به جهت اینکه مصداق نساء، دختر بود، واژه «نساء» را به دختر ترجمه کردند. در آیه مباهله هم باید «نساء» را به دختر معنا کنند؛ نه اینکه آن را به زنان ترجمه کنند؛ مثلاً ترجمه آقای استادولی، آقای الهی قمشه‌ای و آقای انصاریان که در دو آیه قبل «نساء» را به دختر معنا کرده بودند، اینجا آن را به زن معنا کرده‌اند. اتفاقاً اشکالی که بعضی از اهل سنت کرده‌اند، این است که گفته‌اند: در آیه مباهله، «نساءنا» به معنای زنان و ازواج هست؛ چرا می‌گویید: منظور از آن، حضرت صدیقه طاهره(س) است.

خدا مقامات استاد حسن‌زاده آملی را متعالی کند؛ ایشان همیشه از امیرالمؤمنین(ع) به «حضرت وصی امام امیرالمؤمنین» تعبیر می‌کرد. ابن‌ابی‌الحدید و افرادی مثل آیت‌الله خراسان ثابت کردند که در زمان رسول خدا(ص)، امیرالمؤمنین معروف به «وصی» بود و هر جا می‌گفتند «وصی»، منصرف به امیرالمؤمنین بود. به همین جهت، ایشان تصریح می‌کردند که بگوییم امیرالمؤمنین(ع)، نه امام علی؛ یعنی بگوییم

«حضرت وصی امام امیرالمؤمنین(ع)». این، لقبی است که بر سایر ائمه(ع) اطلاق نشده و ویژه آن حضرت است.

همچنین، راجع به حضرت زهرا(س) همیشه بگوییم: «صدیقه طاهره»؛ چون از القاب ویژه حضرت زهراست؛ چنان که «صدیق» هم از القاب ویژه امیرالمؤمنین(ع) است.

دوم. نمونه دیگر از مسامحه‌هایی که برخی مترجمان دارند، در آیه «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ» (آل عمران: ۱۷۵) است. می‌دانید که «یخوف» دومفعولی است؛ «یخوف اولیاءه». پیداست که یک مفعول آن، حذف شده است؛ شیطان اولیای خودش را نمی‌ترساند! جناب ابوالفتوح رازی، طبرسی و دیگران، این گونه ترجمه کرده‌اند: «شیطان می‌ترساند شما را از اولیایش». بعد می‌فرماید: «فلا تخافوهم»؛ یعنی او شما را از اولیای خودش می‌ترساند؛ ولی شما نترسید؛ از من بترسید. درحالی که بعضی ترجمه کرده‌اند: شیطان، دوستانش را می‌ترساند. شیطان که دوستانش را نمی‌ترساند؛ بلکه به آنها دلگرمی می‌دهد. «یخوف»، دومفعولی است و آیه قبل هم شاهد بر این است که شیطان، شما را از دوستانش می‌ترساند؛ نه اینکه شیطان، دوستان خودش را می‌ترساند. حالا آن مترجمانی که گفتند: شیطان، اولیای خودش را می‌ترساند، معلوم می‌شود خیلی مسامحه کردند.

سوم. آیه دیگر، در سوره نساء است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱). این آیه را در ترجمه‌های فارسی، من ندیدم کسی درست ترجمه کرده باشد. معنای جمله آخر آیه، این است که: «خداوند متعال پراکند از این زوجین، یعنی از آن نفس واحد و از آن زوجش، رجال و نساء زیادی را». مفسران و مترجمان گفته‌اند: «کثیراً» صفت برای رجال است. این صفت، برای نساء هم بوده که به قرینه رجال، حذف شده است؛ یعنی «رجالاً کثیراً و نساءً کثیراً». اشکال این نوع ترجمه، آن است که رجال، جمع مکسر است و صفتش باید کثیره باشد؛ مثل موارد دیگر که در قرآن آمده؛ مثلاً: «فِتْنَةٌ كَثِيرَةٌ» و «ازواج مطهرة». جمع مکسر، صفتش مؤنث می‌آید؛ نه مذکر. پس، چرا اینجا مذکر آمده است؟ اما مترجمان همه نوشته‌اند: «زنان و مردان بسیار». یعنی همگی آن را صفت معنا کرده‌اند و «کثیر» را صفت رجل گرفته‌اند و گفته‌اند برای نساء هم بوده که به قرینه قبلی، حذف شده است.

من حدود بیست ترجمه دیدم که هیچ‌کدام درست ترجمه نکرده‌اند؛ درحالی که مواردی دیگری در قرآن داریم، مثل «أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا» که «ذکرًا» مفعول مطلق است و «کثیراً» هم صفت برای مفعول مطلق است. در آیه دیگر داریم: «أَذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»؛ یعنی «ذکرًا» که مفعول مطلق است، حذف شده است. در آیه مورد بحث هم در واقع، چنین بوده که: «بَثَّ مِنْهُمَا بَثًّا كَثِيرًا» که کلمه «بَثًّا» که موصوف و مفعول مطلق است، از «بَثَّ» گرفته شده و محذوف است.

در برنامه‌های نرم‌افزاری خودتان، از ترجمه‌های دیگر هم استفاده کنید؛ حتی اگر نیمه‌کاره باشند. از جمله، همین ترجمه علامه شعرانی که در کتاب هزار و یک

کلمه چاپ شده، تا اواسط سوره بقره را ترجمه کرده و نکته‌های دقیقی دارد. علامه شعرانی، از جمله اولین کسانی است که آیات سوره مبارکه حمد و آیه «غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» را درست ترجمه کردند. ترجمه خوب دیگر، ترجمه مرحوم فیض الاسلام است که این آیه را درست ترجمه کرده است. ترجمه‌ای هم جناب بدیع الزمان فروزان‌فر دارد که البته بنا بوده همه قرآن را ترجمه کند؛ ولی بعداً فقط آیات منتخبی از قرآن را در سال ۱۳۱۳ شمسی ترجمه کرده است که برای تدریس در مدارس بوده است. آقای شفیع کدکنی، راجع به ترجمه ایشان جمله‌ای دارند که بد نیست برای شما بخوانم. ایشان نوشته است: «بی‌هیچ گمان، ترجمه فروزان‌فر از قرآن کریم، درست‌ترین و در عین حال، دقیق‌ترین و روان‌ترین ترجمه‌ای خواهد بود که تاکنون به فارسی انجام شده است.» بله، اگر ما روزی بخواهیم ترجمه‌ای از قرآن به زبان فارسی داشته باشیم، شاید بهتر از آن نتوان یافت. خب، ترجمه فروزان‌فر که چاپ نشده؛ ولی ایشان آن را نوشته است. این داوری من، از طریق نمونه آیاتی است که وی گاه در خلال بعضی از آثارش از قبیل شرح مثنوی آورده است و از باب قیاس جزء به کل گفته است. به‌هرحال، این مقدار را که چاپ شده، در برنامه‌های خود بیاورید.

یک ترجمه هم اخیراً چاپ شده است. شاید به لحاظ اینکه جدید است، شما استفاده نکرده‌اید. ترجمه قدیمی قرآن است که نسخه خطی آن، در موزه شاه‌چراغ وجود دارد. شبیه همان کار آقای یاحقی است. آقای یاحقی، ترجمه‌های متعددی را آورده است؛ اما این کتاب، یک ترجمه دارد و مترجم آن هم ناشناس است و در سال ۱۴۰۱ شمسی چاپ شده است. ■